



University of Tehran Press

A Logical and Comparative Analysis of the Relationship between the "Theory of Evolution" and the "Doctrine of the Creation of Adam and Eve", Based on the Examination of Islamic Texts Indicating the "Creation of the Humanoid before the Creation of Adam"

Alireza Norouzi^{1*} | Mohammad Reza Naserloei² | Ali Asgari Yazdi³

1. Corresponding Author, Department of Islamic teachings, Faculty of Islamic teachings, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: alirezanorouzi276@yahoo.com

2. Howzeh Elmiyeh, Howzeh Qazvin, Qazvin, Iran. E-mail: mohamadrezanaserloei1800@gmail.com

3. Department of Islamic teachings, Faculty of Islamic teachings, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: asgariyazdi@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 2025 June 01

Revised: 2025 July 23

Accepted: 2025 October 16

Published online: 2025 December 22

Keywords:

Evolution,
Humanoid,
Creation,
Adam and Eve,
Dissipative and gradual
Creation.

ABSTRACT

One of the enduring questions in contemporary discourse on science and religion concerns the relationship between Darwinian evolution and the doctrine of Adam and Eve's creation in monotheistic traditions. According to evolutionary theory, humans emerged through the gradual development of simpler organisms and share a common ancestor with primates. In contrast, monotheistic religions affirm that humankind descends from Adam and Eve, who were directly created by God from dust. This study employs a conceptual, propositional, and systemic analytic approach to explore the possible compatibility between the Qur'anic narrative of Adam and Eve's creation and the modern theory of evolution—without presuming the truth or falsity of either framework. It first outlines the logical and philosophical foundations necessary for comparing divine creation with scientific explanation. The argument advanced is that, should evolution be empirically verified, a gradual divine process guided by an intelligent Creator would not contradict the instantaneous creation described in Islamic texts. Subsequently, through analytical examination of relevant Qur'anic verses and narrations, the paper elucidates the conceptual space for reconciling the evolutionary account with the theological doctrine of creation.

Cite this article: Norouzi, A.; Naserloei, M. R. & Asgari Yazdi, A. (2026). A Logical and Comparative Analysis of the Relationship between the "Theory of Evolution" and the "Doctrine of the Creation of Adam and Eve", Based on the Examination of Islamic Texts Indicating the "Creation of the Humanoid before the Creation of Adam". *Philosophy of Religion*, 22, (4), 263-274. <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.393088.1006116>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.393088.1006116>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

تحلیل منطقی و تطبیقی رابطه میان «نظریه تکامل» و «آموزه آفرینش حضرت آدم و حوا(ع)» با تکیه بر بررسی متون اسلامی دال بر «خلقت نسناس پیش از آفرینش آدم(ع)»

علی‌رضا نوروزی^{۱*} | محمدرضا ناصرلوئی^۲ | علی‌عسگری یزدی^۳

۱. نویسنده مسئول، گرایش مبانی نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: norozialireza276@yahoo.com

۲. حوزه علمیه امام صادق(ع)، قزوین، ایران. رایانامه: mohamadrezanaserloei1800@gmail.com

۳. گروه مبانی نظری اسلام، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: asgariyazdi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

کلیدواژه:

آدم و حوا(ع)،

تکامل،

خلقت،

خلقت دفعی و تدریجی،

نسناس.

یکی از چالش‌هایی که در حوزه ارتباط علم و دین در دنیای معاصر مطرح شده نسبت میان تکامل داروینی و آموزه خلقت حضرت آدم و حوا(ع) در ادیان توحیدی است؛ با این توضیح که طبق نظریه فرگشت انسان‌ها حاصل تکامل موجودات ساده‌تری هستند، به طوری که موجود خاصی به عنوان جد مشترک انسان و میمون در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه انسان از نسل موجودات ساده‌تر است. درحالی‌که در ادیان توحیدی انسان امروزی از نسل آدم و حوا(ع) است که خداوند آن دو را از خاک آفریده است. از این‌رو تحقیق حاضر با روش تحلیل مفهومی، گزاره‌ای، و سیستمی و با قطع نظر از صحت یا بطلان فرضیه تکامل درصدد پاسخ به این سؤال است که میان خلقت حضرت آدم و حوا(ع) که متون دین اسلام مطرح می‌کنند با آنچه امروزه نظریه فرگشت نامیده می‌شود چه ارتباطی از حیث سازواری یا عدم سازواری وجود دارد؟ این نوشتار ابتدا، ضمن بیان مقتضای منطقی و فلسفی بحث، توضیح می‌دهد خلقت تدریجی الهی (در صورت اثبات نظریه تکامل و پس از اثبات لزوم وجود خالق حکیم و علیم در ورای آن) ناسازگاری و تعارضی با خلقت دفعی الهی (یعنی خلقت حضرت آدم و حوا) ندارد. و در گام بعد، ضمن بررسی تحلیلی آیات و روایات اسلامی به توضیح مصداقی «قابلیت و امکان جمع میان تکامل و خلقت» می‌پردازد.

استناد: نوروزی، علی‌رضا؛ ناصرلوئی، محمدرضا و عسگری یزدی، علی (۱۴۰۴). تحلیل منطقی و تطبیقی رابطه میان «نظریه تکامل» و «آموزه آفرینش حضرت آدم و حوا(ع)» با تکیه بر بررسی متون اسلامی دال بر «خلقت نسناس پیش از آفرینش آدم(ع)». *فلسفه دین*، ۲۲ (۴) ۲۶۳-۲۷۴.

<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.393088.1006116>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.393088.1006116>

© نویسندگان



بیان مسئله

یکی از دیدگاه‌هایی که بعد از رنسانس به طور جدی در توضیح پیدایش جهان طبیعت و انسان مطرح شد نظریه «تکامل» است که چارلز داروین در قرن هجدهم ارائه کرد که طبق آن «انتخاب طبیعی عامل طراحی موجودات است. چون تغییرات سازگار میل بیشتری به افزایش احتمال بقا و تکثیر حاملان خود را دارند».

طرح تکامل داروینی ابهاماتی درباره رابطه علم و ادیان توحیدی پدید آورد. در مرحله نخست، ضرورت وجود خداوند متعال در سیر تدریجی و تکاملی عالم طبیعت را به چالش کشید. داروینیست‌های الحادی در مرحله دوم داستان آفرینش و خلقت حضرت آدم و حوا^(ع)، که اجمالاً از مواضع وفاق ادیان ابراهیمی و توحیدی است و در دین مبین اسلام نیز ابعاد مختلف این خلقت توضیح داده شده است، را نیز به چالش کشیدند. زیرا، طبق نظریه فرگشت، انسان‌ها حاصل تکامل موجودات ساده‌تری هستند (مثلاً ← فلچر، ۱۳۵۵: ۱۳۶).

نگارنده پیش‌تر در تحقیق مستقلی به بررسی چالش اول پرداخته و توضیح داده است که حتی در فرض اثبات نظریه تکامل دلایل متقن وجود خداوند متعال همچنان پابرجاست و هیچ منافاتی در میان نیست؛ ضمن اینکه تکامل تدریجی و پدید آمدن نظم حیرت‌انگیز کنونی خود دلیل دیگری است بر وجود مبدئی متعال در ورای تکامل مادی. بنابراین مسئله محوری این جستار تحلیل و بررسی چالش دوم است.

در واقع این نوشتار، با قطع نظر از صحت یا بطلان فرضیه تکامل، درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا خلقت حضرت آدم و حوا^(ع)، که متون دین اسلام مطرح می‌کنند، با نظریه فرگشت در تضاد است؟ به بیان دیگر لازم است ابتدا تصویری از خلقت یادشده در آیات و روایات اسلامی به دست آید، سپس به بررسی تطبیقی آن با نظریه تکامل پرداخته شود و سازواری یا ناسازگاری میان آن‌ها از لحاظ علمی و منطقی مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت و هدف

دیدگاه تکامل نه‌تنها با زیست‌شناسی بلکه با مسائل بنیادینی چون مبدأ هستی، دین، اخلاق، و جهان‌بینی ارتباط مستقیم دارد و ساحت‌های مختلف زندگی انسانی، حتی ابعادی چون جامعه‌شناسی و اقتصاد، را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بنابراین، با توجه به گفتمان رسانه‌ای پرمسأله‌ی الحاد مدرن، که ادعای روشمندی از لحاظ علمی را نیز دارد، و با توجه به طرح جدی مباحث مربوط به رابطه علم و دین در دوران معاصر و تلاش‌های مغرضانه و متعصبانه برای اطفای نور اسلام، ضرورت پژوهش‌هایی با رویکردهای نوین نمایان می‌شود که بتواند با استفاده از سنجش‌های منطقی و علمی بی‌اعتباری و ناکارآمدی استدلال‌ات طرح‌شده برای تفسیر الحادی از آفرینش را نمایان سازد.

پیشینه و وجه‌تمایز

درباره مسئله تحقیق حاضر، یعنی رابطه میان تکامل و خلقت مد نظر ادیان توحیدی، می‌توان گفت تقابل یادشده یکی از مهم‌ترین چالش‌های علم و دین در دنیای معاصر محسوب می‌شود. در این زمینه کتبی چون *تکامل یا خلقت*، نوشته بایبل راجتور، و *رابطه علم و دین در پارادایم نظریه تکامل*، نوشته پروفیسور جیمز کلارک، به رشته تحریر درآمده است که نظریات متعددی درباره مسئله اشاره‌شده ابراز کرده‌اند.

اندیشمندان اسلامی نیز در کتب خود اشارات و مباحثی درباره رابطه میان این دو دیدگاه داشته‌اند. مثلاً آیت‌الله مشکینی در *تکامل در قرآن* و علامه طباطبایی در *المیزان فی تفسیر القرآن* پیرامون این موضوع نیز بحث کرده‌اند. همچنین کتبی چون *خلقت انسان اثر یدالله سبحانی و آفرینش انسان و نظریه تکامل* اثر شهید آیت‌الله بهشتی و مقالاتی مانند «بازخوانی تقابل قرآن با تئوری تکامل انواع» نوشته روح‌الله نجفی به رشته تحریر درآمده که به بررسی نظریه تکامل از منظر اسلامی پرداخته‌اند. البته محققان اسلامی موضع‌گیری‌های متفاوتی در قبال تعارض یا عدم تعارض آیات آفرینش با فرگشت دارند.

تمایز این تحقیق از پژوهش‌های پیشین در وجوه ذیل خلاصه می‌شود:

۱. پرداخت مستقل و تفصیلی به تعارض «تکامل» و «خلقت آدم و حوا^(ع)» در متون دین اسلام و تحلیل تطبیقی آن؛

۲. نتایج نوآورانه. مثلاً کتاب یادشده از شهید بهشتی به ارائه دلایل عقلی و نقلی برای رد نظریه تکامل و تأیید آفرینش انسان توسط خدا می‌پردازد؛ درحالی‌که نقطه ثقل فرضیه این تحقیق رد یا اثبات نظریه تکامل نیست، بلکه، فارغ از آن، به اثبات عدم تعارض تکامل با خلقت (از طریق تبیین امکان جمع خلقت دفعی و تدریجی) می‌پردازد؛
 ۳. روش و رویکرد جدید برای حل مسئله. مثل تحلیل اقتضائات منطقی تکامل و خلقت و رابطه میان آن‌ها.
 ۴. ارائه تبیین‌های نوآورانه. مانند به‌کارگیری «خلق و امر» در تبیین عدم تعارض؛
 ۵. بیان جزئیات بیشتر وقایع آغاز خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) و موجودات پیش از آن‌ها در زمین (مثل نسناس) در سایه پرداخت بیشتر به منابع اصیل اسلامی و تحلیل تطبیقی آن‌ها با نظریات داروینیست‌ها.
- اندیشمندان و متکلمان ادیان توحیدی برای حل اشکالات مطرح‌شده درباره نسبت نظریه تکامل با آموزه خلقت پاسخ‌های متعددی بیان کرده‌اند. لیکن تحقیق حاضر به بررسی متون اسلامی و تبیین‌های عرضه‌شده توسط دانشمندان شیعی در این مسئله و در نهایت پاسخ مختار نگارنده می‌پردازد.

مقتضای آیات قرآن کریم

آیاتی از قرآن کریم به بیان چگونگی خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) پرداخته است که در ادامه به دو آیه در این زمینه اشاره می‌شود و تناظر آن با بحث و مسئله این تحقیق توضیح داده می‌شود.

خلقت و سؤال فرشتگان

یکی از آیات قرآن کریم که درباره خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) سخن می‌گوید آیه شریفه ۳۰ سوره بقره است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (بقره / ۳۰)؛ و (به یاد آر) وقتی که پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیس می‌پردازیم؛ فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

مراد از «خلیفه» در این آیه ظاهراً همان «بشر» است. چون در آیات ۲۸ حجر و ۷۱ ص، که ظاهراً ناظر به همین واقعه است، تعبیر «بشر» به کار رفته است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ.» (حجر / ۲۸)؛ و (یاد آر) آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان عالم اظهار فرمود که من بشری از ماده گل‌ولای کههنه متغیر خلق خواهم کرد. لیکن درباره اینکه علت سؤال فرشتگان از خداوند متعال که گفتند: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» چه بود و اینکه ملائکه از کجا چنین شناختی نسبت به بشر داشتند در این تحقیق به دو دیدگاه کلی از نگاه مفسران اشاره می‌کنیم: دیدگاه اول معتقد است قبل از خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) موجودات بشرنمایی با نام «نسناس» در زمین می‌زیسته‌اند و فرشتگان الهی با توجه به فساد و خون‌ریزی آنان در زمین این سؤال برایشان پیش آمده بود. دیدگاه دوم به طور خلاصه این است که وقتی ملائکه آن توانایی‌ها، استعدادها و شهواتی که انسان از آن برخوردار بود را دیدند این سخن را به خداوند عرضه داشتند که چنین موجودی می‌تواند در زمین فساد و خون‌ریزی راه بیندازد.

مثلاً، آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «فرشتگان آن‌چنان که از سخنانشان پیدا است پی برده بودند که این انسان فردی سربه‌راه نیست. فساد می‌کند. خون می‌ریزد. خرابی به بار می‌آورد. اما از کجا دانستند؟! گاه گفته می‌شود خداوند قبلاً آینده انسان را به طور اجمال برای آن‌ها بیان فرموده بود، درحالی‌که بعضی احتمال داده‌اند ملائکه خودشان این مطلب را از کلمه «فِي الْأَرْضِ» (در روی زمین) دریافته بودند. زیرا می‌دانستند انسان از خاک آفریده می‌شود و ماده به خاطر محدودیتی که دارد طبعاً مرکز نزاع و تزاخم است. چه اینکه جهان محدود مادی طبع زیاده‌طلب انسان‌ها را نمی‌تواند اشباع کند. حتی اگر همه دنیا را به یک فرد بدهند باز ممکن است سیر نشود. این وضع مخصوصاً در صورتی که توأم با احساس مسئولیت کافی نباشد سبب فساد و خون‌ریزی می‌شود. بعضی دیگر از مفسران معتقدند پیشگویی فرشتگان به خاطر آن بوده که آدم^(ع) نخستین مخلوق روی زمین نبود. بلکه پیش از او نیز مخلوقات دیگری بودند که به نزاع و خون‌ریزی پرداختند. سوءپیشینه آن‌ها سبب بدگمانی فرشتگان

نسبت به نسل آدم^(ع) شد! این تفسیرهای سه‌گانه چندان منافاتی با هم ندارند. یعنی ممکن است همه این امور سبب توجه فرشتگان به این مطلب شده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۷ - ۱۸۰).

دیدگاه نخست (پیشینه موجوداتی بشرنما، قبل از خلقت حضرت آدم و حوا^(ع)) مؤیداتی از روایات معصومین دارد. مثلاً تفسیر عیاشی از امام صادق^(ع) روایت کرده که فرمود: «اگر ملائکه موجودات زمینی را قبلاً ندیده بودند که خون‌ریزی کردند از کجا گفتند: «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدَّمَاءَ؟» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹، ج ۴). علامه طباطبایی ذیل این حدیث می‌نویسد: «ممکن است این فرمایش امام^(ع) اشاره باشد به دورانی که قبل از دوران بنی آدم در زمین گذشته، چنان که اخباری نیز در این باره رسیده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۸). البته در ادامه بیشتر به روایات این زمینه خواهیم پرداخت.

خلق و امر

از مواضع قرآنی دیگری که ممکن است شاهی بر پاسخ مختار این تحقیق (یعنی عدم تعارض میان خلقت دفعی و خلقت تدریجی الهی) باشد آیه ۵۴ سوره اعراف است: «إِنَّ رَبَّكُمْ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛ پروردگار شما خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش (و مقام تدبیر امر اشیا) برآمد، شب را با روز می‌پوشاند درحالی که روز شتابان شب را می‌جوید و (نیز) خورشید و ماه و ستارگان را بیافرید درحالی که رام فرمان اویند. هان! از آن او است آفرینش و امر. پر برکت است پروردگار جهانیان.

آیه یادشده پس از بیان مواردی از خلقت خداوند متعال «خلق» و «امر» را به خداوند سبحان نسبت می‌دهد. در اینکه مراد از خلق و امر چیست میان مفسران گفت‌وگو است و برخی از مفسران این دو کلمه را به آفرینش تدریجی و دفعی تفسیر کرده‌اند: *تفسیر المیزان*: فرقی که خلق با امر دارد این است که خلق ایجاد چیزی است که در خلقت آن تقدیر و تألیف به کار رفته باشد ... به خلاف امر که در معنای آن تقدیر جهات وجود و تنظیم آن نیست. به همین جهت است که امر تدریج‌بردار نیست، ولیکن خلقت قابل تدریج است، همچنان که درباره خلقت فرموده: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» و درباره امر فرموده: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةٍ بِالْبَصْرِ» (قمر / ۵۰) (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۹۰).

تفسیر نمونه: با توجه به قرآنی که در این آیه و آیات دیگر قرآن موجود است استفاده می‌شود که منظور از «خلق» آفرینش نخستین و منظور از «امر» قوانین و نظاماتی است که به فرمان پروردگار در عالم هستی حکومت می‌کند و آن‌ها را در مسیر خود رهبری می‌نماید ... بعضی از فلاسفه مایل‌اند که عالم خلق را عالم ماده و عالم امر را عالم ماوراء ماده بدانند. زیرا عالم خلق جنبه تدریجی دارد و این خاصیت جهان ماده است و عالم امر جنبه دفعی و فوری دارد و این خاصیت جهان ماوراء ماده است؛ چنان که می‌خوانیم: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (یس / ۸۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۰۰ - ۲۰۴).

یکی از محققان می‌نویسد: «بررسی همه مواردی که ریشه خلقت در معنای آفرینش به کار رفته نشان می‌دهد در ادبیات قرآن کریم نیز خلق کردن موجودات به معنای غیرطبیعی آن‌ها از هیچ به صورت آئی و بدون دخالت اسباب و عوامل طبیعی نیست؛ بلکه پیدایش طبیعی پدیده‌ها را خداوند با این واژه به خود منتسب می‌سازد. زیرا این آیات می‌گویند همه چیز مخلوق خداست (فرقان / ۲، انعام / ۱۰۱، رعد / ۱۶، زمر / ۶۲)؛ آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه و کوه‌ها و جنبندگان و گیاهان (لقمان / ۱۰ و ۱۱) و حیوانات (یس / ۷۱، غاشیه / ۱۷) تا حتی مرگ و حیات (الملک / ۲).» (روحانی مشهدی، ۲۰۱: ۱۴۰۰).

بنابراین ممکن است نسبت دادن خلق و امر به خداوند متعال در آیه شریفه اشاره به این باشد که هم ایجاد تدریجی هم ایجاد دفعی تنها از آن خدای سبحان است. اما اینکه تفکیک میان ایجاد تدریجی و هم ایجاد دفعی چگونه می‌تواند در حل مسئله رابطه تکامل و خلقت راهگشا باشد در بخش دوم مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

مقتضای روایات اصیل اسلامی

تفصیل برخی روایات منقول از معصومین در این زمینه چنین است:

دسته اول روایات

۱. امیرالمومنین امام علی (ع) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی اراده فرمود که پس از گذشت هفت هزار سال از پایان زیستن جن و نسناس در زمین به دست خود مخلوقی بیافریند...» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۱: ۱۰۳).
 ۲. امیرالمومنین امام علی (ع) فرمود: «خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ... من می‌خواهم به دست قدرت خویش خلقی به وجود آورم و پیامبران، فرستادگان، بندگان صالح و امامان هدایت‌کننده را از میان فرزندان او قرار دهم. آن‌ها را برای بندگانم بر روی زمین خلیفه می‌گردانم تا ایشان را از معصیت من نهی کرده، از عذابم اندازشان داده، و آن‌ها را به سوی عبادت و اطاعت من هدایت کنند تا بندگانم با کمک ایشان راه مرا بیمایند. من امامان (ع) را حجت بندگان، بهانه [هدایت] آنان، و بیم‌دهنده آنان [از عذاب] قرار می‌دهم و نسناس را از روی زمین دور می‌کنم و انسان را از آلودگی‌های آنان پاک می‌نمایم و جنیان سرکش که از مخلوق، آفریده و برگزیده من سرپیچی کرده‌اند را منتقل کرده و در هوا و در چهار گوشه دورافتاده زمین ساکنشان می‌کنم تا با بندگان من مجاور نشوند و بین جنیان و بندگانم حاجبی قرار می‌دهم؛ به طوری که فرزندان این مخلوقم جن را نمی‌بینند و با ایشان مجالست و مصاحبت نمی‌کنند.» (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۲۰).
 ۳. روایت شده^۱ که خدای عزوجل جن و نسناس را (قبل از خلقت آدم (ع) خلق کرد و آن‌ها را در زمین ساکن کرد و آن‌ها به ریختن خون‌ها و تغییر و تبدیل (اوضاع) مشغول شدند ... موقعی که خدا اراده کرد آدم (ع) را خلق کند - و مدت هفت هزار سال بر جن و نسناس گذشته بود و ابلیس لعین هم قسمتی از زمان را گذرانده بود - ... از جانب خداوند متعال خطاب رسید: من در نظر دارم که نسناس و سرکشان و معصیت‌کاران جن را از زمین خود برابیم و آن‌ها را در هوا و اطراف زمین جایگزین نمایم و بین خلق و جن پرده‌ای قرار دهم تا نسل آدم جن را نبینند و با آن‌ها مجالست ننمایند. ملائکه گفتند ما علمی نداریم مگر آن اندازه‌ای که تو به ما تعلیم کردی و تو عزیز و حکیمی (مسعودی، ۱۳۶۲: ۹).
 ۴. از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابی مقدم، از جابر، از حضرت ابی‌جعفر (ع) نقل کرده که آن جناب فرمودند حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: هفت هزار سال بعد از ایجاد جن و نسناس در روی زمین حق تبارک و تعالی اراده نمود که با قدرت بیکرانش خلائق و انسان‌ها را بیافریند ... (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۷).
 ۵. امام باقر (ع) می‌فرماید: از امیرالمؤمنین (ع) سؤال شد که آیا در زمین مخلوقی از مخلوقات خداوند متعال وجود داشته است که قبل از حضرت آدم (ع) و ذریه‌اش خدا را عبادت کرده باشند؟ حضرت (ع) فرمود: بلی ... سپس مخلوقاتی پایین‌تر از ایشان آفرید که برای آن‌ها بدن‌ها و روح‌ها بود، ولی بال نداشتند؛ درحالی که می‌خوردند و می‌آشامیدند. آن‌ها نسناس بودند که شبیه خلقت آنان بودند؛ ولی انسان نبودند. و خداوند متعال آن‌ها را بر پهنه زمین و بر روی آن به همراه جنیان سکونت داد، درحالی که شب و روز خدا را تقدیس می‌کردند و سست نمی‌شدند ... سپس طایفه‌ای از جن و نسناس که خداوند آنان را خلق کرده و به همراه جن بر پهنه زمین سکونت داده بود از فرمان و امر خداوند متعال تمرد و سرکشی کردند، پس سرمست و خوشحال شدند و در زمین به ظلم به ناحق روی آوردند ... تا اینکه میان آن‌ها خون‌ها ریختند و اظهار فساد کردند و ربوبیت خداوند متعال را انکار نمودند ... الی آخر حدیث (قطب راوندی، ۱۴۳۰: ۳۸ - ۴۰).
- حدیث فوق به صراحت از وجود مخلوقاتی پیش از خلقت آدم و حوا (ع) نام می‌برد که در میان آنان موجوداتی با نام نسناس (ولی متمایز از انسان) بر پهنه زمین می‌زیسته‌اند که از بدن و روح برخوردار بوده‌اند و سپس برخی از طایفه نسناس همراه برخی از طایفه جن به فساد و خون‌ریزی و انکار ربوبیت خداوند متعال در زمین روی می‌آوردند، به طوری که ظاهراً این‌گونه برداشت می‌شود که سؤال ملائکه که به پیشگاه خداوند سبحان عرضه داشتند: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» با توجه به آگاهی ملائکه از چنین مقدمه و پیشینه‌ای در زمین بوده است.
- یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «با توجه به این روایات باید گفت که اگر آدم‌نماها از عقل برخوردار نبودند و راه درست و غلط را نمی‌شناختند و با اختیار خود راه غلط را انتخاب نکرده بودند، مذمت‌ها و نسبت‌های گناهکاری که به آن‌ها توسط ملائکه داده شد و همچنین سؤال از اینکه چرا از خداوند آنان انتقام نمی‌گیرد نبود.» (نیکوکلام عظیم، ۱۴۰۱: ۴۳).

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی.

اما درباره اینکه مراد از «نسناس» چیست، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «النسناس: خلق علی صورة الناس. نسناس مخلوقی به شکل انسان است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۴۹). قاموس المحيط درباره لغت نسناس می‌نویسد: «آن‌ها یاجوج و ماجوج هستند یا قومی از بنی‌آدم می‌باشند یا به شکلی شبیه انسان‌ها هستند و در چیزی با آن‌ها تفاوت دارند و از فرزندان آدم^(ع) نیستند.» (فیروزآبادی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۷۸۹ (نسب)). نیز علامه مجلسی می‌گوید: «نسناس حیوانی شبیه انسان است و گفته شده که در بعضی از بلاد هند یافت شده است» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۱: ۱۰۶).

ظاهراً مراد از نسناس موجوداتی بوده‌اند که بر عامه حیوانات نوعی برتری داشته‌اند، اما به حد انسانیت نرسیده بوده‌اند. زیرا علاوه بر کتب لغت (که در برخی از آن‌ها به این معنا برای نسناس اشاره شده بود) از ظاهر روایات یادشده چنین برمی‌آید که نسناس‌ها همراه جنیان دو نوع از انواع موجوداتی بوده‌اند که قبل از خلقت آدم در زمین می‌زیسته‌اند. از طرفی با توجه به اینکه ظاهراً حتی در این دوران تسلط نسناس و جن بر زمین حیوانات مختلف نیز در زمین زیست داشته‌اند قاعدتاً باید نسناس و جن نوعی برتری نسبت به سایر موجودات دارای حیات در زمین داشته باشند که به صورت متمایز در روایات بیان شده‌اند.

دسته دوم روایات

در دسته‌ای دیگر از احادیث مرتبط با نسناس می‌بینیم که اهل بیت بخش قابل توجهی از انسان‌های عصر خود را مصداقی از نسناس دانسته‌اند و مثلاً در تفسیر فرات کوفی نقل شده است: کسی به محضر امیرالمؤمنین^(ع) آمد و پرسید: یا امیرالمؤمنین، ناس و اثبانه الناس و نسناس را به من بشناسان. امام^(ع) به فرزندش امام حسن^(ع) فرمود: جوابش را بده. امام حسن^(ع) فرمود: در مورد معنای کلمه ناس (مردم) پرسیدی. پس رسول الله^(ص) مصداق مردم است. زیرا خداوند می‌فرماید: «سپس کوچ کنید از همان‌جا که مردم کوچ می‌کنند» و ما اهل بیت نیز از مصداق مردم هستیم. و از افراد شبیه به مردم پرسیدی، آن‌ها شیعیان مایند و آن‌ها از ما هستند. آن‌ها مانند ما هستند. و از نسناس پرسیدی و آن‌ها همین توده عظیم مردم‌اند که خداوند بزرگ می‌فرماید: «آنان به مانند چارپایان هستند، بلکه از آن‌ها نیز گمراه‌ترند.» (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۱: ۸۱۸).

البته میان این دو گروه از روایات تعارضی نیست و به نظر می‌رسد مقتضای جمع بین این دسته از روایات (که عامه انسان‌هایی که به خاطر عدم استفاده از قوه عاقله همچنان در مرحله حیوانیت زندگی می‌کنند را نسناس خطاب می‌کند) و روایات دسته پیشین (که نسناس را بر موجودی انسان‌نما که پیش از خلقت آدم^(ع) می‌زیست اطلاق می‌کرد) این باشد که معنای حقیقی نسناس همان انسان‌نماهای قبل از خلقت باشد و اطلاق آن بر عامه انسان‌ها به اعتبار مرتبه وجودی آن‌ها- یعنی عدم استفاده از عقل و حاکمیت شهوت حیوانی در مملکت وجودی‌شان- است. به همین دلیل است که در ذیل روایت یادشده به این آیه شریفه استناد شده است: «أولئک کالأنعام، بل هم أضل.» (اعراف / ۱۷۹). به عبارت دیگر عامه انسان‌ها از یک سو از ظاهر انسانی برخوردار هستند و از سوی دیگر باطن و حقیقت وجودی‌شان چون حیوان‌ها و بلکه پست‌تر از آنان است. از این‌رو تعبیر نسناس برای آن‌ها به کار رفته است. زیرا نسناس قبل از خلقت آدم^(ع) موجودی بود شبیه انسان ولی در مرحله حیوانیت.

پاسخ مختار به مسئله تحقیق، با توجه به متون اسلامی

از لحاظ منطقی و فلسفی، خلقت تدریجی الهی (پس از اثبات لزوم وجود خداوند متعال) تعارضی با خلقت دفعی الهی (یعنی خلقت حضرت آدم و حوا^(ع)) ندارد. چون احاطه و قیومیت مطلق خداوند متعال بر هستی، همان‌گونه که می‌تواند سبب ایجاد تدریجی انسان طی میلیاردها سال شود، می‌تواند مراحل خلقت انسان را طی مراحل بسیار سریع‌تری (مثل برگرفتن خاک و تبدیل آن به گل، ... و دمیدن روح) و دفعتاً (کن فیکون) محقق کند. بنابراین از نگاه عقل دقیق منطقی منع جمعی میان دو دیدگاه وجود ندارد تا ما را به برگزیدن یکی از دو نظریه و رد دیگری یا حمل متون دینی بر نمادین بودن وادار کند.

نکته بسیار مهم این است که نوشتار حاضر به دنبال اثبات انطباق نظریه تکامل با موجودی به نام نسناس نیست و حتی درصدد اثبات انطباق انسان‌های اولیه (در نظریه تکامل) با نسناس (در متون اسلامی) نیز نیست؛ بلکه در پی توضیح این است که صرف وجود چنین احتمالی (احتمال جمع خلقت تدریجی و دفعی و همچنین احتمال جمع انسان‌های اولیه و نسناس) کافی است تا از لحاظ منطقی تعارض نظریه تکامل و خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) را مردود بدانیم. چون تعارض زمانی اتفاق می‌افتد که عقل

منطقی به صورت یقینی و قاطع حکم به عدم امکان جمع میان دو دیدگاه کند، طوری که هیچ فرض و احتمالی وجود نداشته باشد که بتواند دو دیدگاه را با هم جمع کند. این در حالی است که از نگاه عقلی و فلسفی امکان جمع خلقت دفعی و تدریجی وجود دارد.

البته باز هم یادآور می‌شود غرض و رسالت این تحقیق این است که با غرض نظر از اثبات یا رد نظریه تکامل به اثبات سازواری و عدم تنافی میان نظریه تکامل و آموزه خلقت بپردازد (زیرا امروزه بسیاری از جوامع علمی و غیر علمی به اشتباه چنین می‌پندارند که در صورت اثبات فرضیه تکامل باید از ظواهر متون دینی در مورد خلقت دست شست. به گمان آنان میان این دو دیدگاه تعارض وجود دارد). تأمل شود!

بنابراین (از لحاظ منطقی) هم می‌توان به صحت آنچه علم امروزی می‌گوید (نظریه تکامل موجودات پیچیده از موجودات ساده‌تر) هم به واقع‌نما بودن آنچه متون دینی می‌گویند (خلقت دفعی حضرت آدم و حوا^(ع) از خاک و گل و ...) معتقد شد بدون اینکه نیاز به تأویل و نمادین دانستن خلقت آدم و حوا^(ع) باشد و نیز بدون اینکه نیاز باشد برای رفع مشکل نظریه تکامل را رد کنیم. نیز طبق آنچه روایات یادشده پیرامون دنیای قبل از خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) اجمالاً ترسیم می‌کنند ظاهراً موجوداتی شبیه انسان ولی در سطحی به مراتب پایین‌تر در زمین حضور داشته‌اند و چنین موجوداتی به طور اجمالی ممکن است منطبق بر انسان‌های اولیه‌ای باشند که علم امروز وجود آن‌ها را مطرح می‌کند. یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: «یافته‌های علمی حاکی از وجود موجودات شبیه انسان در زمین مشابهت‌هایی با بخشی از آموزه‌های قرآنی و عترت دارد. دستیابی به نتایج دقیق‌تر مشروط است به انجام تحقیقات میدانی که نکات و ظرایف آموزه‌های قرآنی و عترت را مد نظر قرار دهد.» (دولت، ۱۳۹۴: ۲۳). وی همچنین می‌نویسد: «در باره محدوده زمانی انقراض نئاندرتال‌ها و کرومانیون‌ها میان آموزه‌های قرآنی و عترت و دست‌یافته‌های علمی اجمالاً هماهنگی وجود دارد. زیرا همان‌طور که نسناس‌ها هزاران سال قبل از پیدایش آدم منقرض شدند، نسل نئاندرتال‌ها و کرومانیون‌ها نیز هزاران سال قبل به کلی از بین رفته است.» (دولت، ۱۳۹۴: ۲۷).

از این‌رو در این موضوع خاص (خلقت حضرت آدم و حوا^(ع)) نه تنها از لحاظ منطقی تعارضی میان علم و دین وجود ندارد، بلکه در یک گام فراتر می‌گوییم طبق برخی متون اسلامی انسان‌نماهایی بر روی زمین می‌زیسته‌اند که شاید با انسان‌های اولیه علم امروزی انطباق داشته باشند. روشن است در صورت صحت چنین فرضیه‌ای عدم تعارض میان تکامل و آموزه خلقت بیش از پیش نمایان می‌شود.

بررسی پاسخ برخی از اندیشمندان شیعی به مسئله

اندیشمندان شیعی متقدم، با توجه به مستحدث بودن چالش تکامل و خلقت، طبیعتاً به شکل مستقیم در این مسئله اظهار نظر نکرده‌اند. اما در دوران اخیر برخی از دانشمندان شیعی در این زمینه مستقیم وارد شده‌اند.

علامه طباطبایی در این رابطه چنین می‌نگارد: «دلیلی نیست که بتواند اثبات کند فسیل‌هایی که آثاری از انسان‌ها در آن‌ها هست فسیل اجداد همین انسان‌های امروز است و دلیلی نیست که بتواند این احتمال را رد کند که این اسکلت‌های سنگ‌شده مربوط است به یکی از ادواری که انسان‌هایی در زمین زندگی می‌کرده‌اند. چون ممکن است چنین بوده و انسان‌هایی قبل از خلقت آدم ابوالبشر در زمین زندگی کرده و سپس منقرض شده باشند و همچنین این پیدایش انسان‌ها و انقراضشان تکرار شده باشد تا پس از چند دوره نوبت به نسل حاضر رسیده باشد. ممکن است از بعضی آیات کریمه قرآن استشمام کرد که قبل از خلقت آدم ابوالبشر^(ع) و نسل او انسان‌هایی دیگر در زمین زندگی می‌کرده‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۲۳).

علامه طباطبایی: «ظهور آیه شریفه «یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیربهما سوأتهما.» (اعراف / ۲۷) و همچنین آیه شریفه «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجلاً کثیراً و نساءً ...» (نساء / ۱) ... و مخصوصاً آیه شریفه «إنّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون ...» (آل عمران / ۵۹) که صریح در این است که خلقت آدم^(ع) مانند خلقت عیسی^(ع) و خلقت عیسی^(ع) مانند خلقت آدم^(ع) خلقتی استثنایی است و اگر منظور از کلمه «آدم» آدم نوعی بود، دیگر تشبیه خلقت عیسی^(ع) به آن معنا نداشت. چون خلقت عیسی^(ع) «خارق العاده» بود و خلقت نوع بشر به طور «عادی» است.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۲۶).

ایشان همچنین می‌گویند: «ظاهر قریب به تصریح آیات قرآن دلالت بر این دارد که بشر امروزی از نسل دو نفر زن و مرد معینی هستند و مرد در قرآن به آدم نامیده شده است. آن مرد و زن از پدر و مادری به وجود نیامده، بلکه از گل یا گل پخته و یا از زمین پدید آمده‌اند...» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۶۹). علامه محمدتقی جعفری و علامه محمدتقی مصباح یزدی، دو اندیشمند دیگر شیعه، دلالت آیات قرآن بر خلقت مستقل انسان را صریح می‌دانند (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۹).

علامه طباطبایی در مقام حل تعارض ادعایی میان تکامل و خلقت چنین می‌نگارد: «فرضیه تحول انواع تنها و تنها فرضیه‌ای است که مسائل گوناگونی را با آن توجیه کنند و هیچ دلیل قاطع بر آن ندارند. پس حقیقتی که قرآن کریم بدان اشاره می‌کند که انسان نوعی جدای از سایر انواع است هیچ معارضی ندارد و هیچ دلیل علمی برخلاف آن نیست.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۲۹). روشن است علامه طباطبایی در آثارشان بیشتر بر این مطلب تأکید دارند که فرضیه تکامل به سبب غیر قطعی بودن نمی‌تواند معارض آیات قریب‌به‌صریح خلقت باشد. با وجود صحت این سخن، همچنان جای این بحث وجود دارد که حتی اگر فرضیه تکامل اثبات شود، منافاتی میان این فرضیه و آیات خلقت آدم^(ع) به معنای حقیقی آن (دفعی) وجود ندارد که توضیح آن پیش‌تر بیان شد.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد از نظر توحیدی بسیار غلط بوده که افرادی مسئله تکامل انواع را یک نظریه ماتریالیستی تلقی کرده‌اند. اصلاً این به آن ربطی ندارد و قطعاً نظریه تکامل انواع برای اثبات توحید از نظریه ثابت انواع بهتر است (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۷۳).

شهید مطهری: «قرآن هیچ‌گاه به مواردی که گمان می‌رود نظمی به هم خورده و حساسی به هم ریخته برای اثبات توحید استشهاد نمی‌کند. به مواردی استشهاد می‌کند که مردم مقدمات و علل طبیعی آن‌ها را می‌دانند و خود همین نظم را به گواهی می‌خواند. در مورد خصوص حیات، منطق قرآن بر این اساس است که حیات مطلقاً فیضی است که از افقی عالی‌تر از جسم محسوس سرچشمه گرفته. از این رو تطورات حیات تطورات ایجاد و تکوین و خلق و تکمیل است. البته روی این منطق فرق نمی‌کند که حیات به صورت خلق الساعه در روی زمین موجود شود یا به صورت تدریج و تکامل و خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ. این منطق روی این اساس است که ماده محسوس در ذات خود فاقد حیات است و حیات فیض و نوری است که باید از منبعی بالاتر افاضه شود. پس قوانین حیات به هر شکل و هر صورتی باشد همان قانون خلقت است.» (مطهری، ۱۴۰۰: ۴۱).

شهید مطهری به درستی بر عدم تعارض نظریه تکامل و الهی بودن هستی تأکید دارند که موضع صحیحی است. اما در سخنان بیان شده پیرامون اینکه نظریه تکامل با مضمون آیات خلقت آدم و حوا^(ع) چه نسبتی دارد مطلبی بیان نشده است. آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جعفر سبحانی در پاسخ به سؤال از کیفیت ازدواج فرزندان حضرت آدم^(ع) می‌نویسند: «علما در این مسئله دو نظر کلی دارند: ۱. نظر اول این است که ازدواج میان خواهر و برادر در آن زمان هنوز تحریم نشده بود و از آنجا که برای بقای نسل انسان راهی جز آن وجود نداشت طبیعتاً ازدواج میان برادر و خواهر واقع شده است. به عنوان مثال، دلیل قرآنی طرفداران این نظریه این سخن خداوند متعال است که فرمود: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً.» (نساء / ۱) که این سخن ظهور در این دارد که نسل بشر کنونی نشئت گرفته از حضرت آدم و حوا^(ع) است؛ ۲. نظریه دوم این است که فرزندان آدم^(ع) به دلیل حرمت ازدواج برادر و خواهر با موجوداتی از نسل دیگر ازدواج کردند و پس از اینکه با هم پسرعمو و دخترعمو شدند با یک‌دیگر ازدواج نمودند. برخی روایات این نظر را تأیید می‌کند که نسل حضرت آدم^(ع) اولین نسل ساکن در زمین نبود، بلکه پیش از او مردمان کثیری در زمین زندگی می‌کردند؛ چنان که همین مضمون از سخنی که خداوند متعال درباره خلقت آدم^(ع) به ملائکه فرمود استفاده می‌شود (مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۸۵).

بنابراین ممکن است بگوییم پیش از آفرینش آدم^(ع) موجوداتی شبیه انسان بر زمین زندگی می‌کرده‌اند که فرزندان حضرت آدم^(ع) در مرحله اول با همین موجودات آمیزش داشته و فرزندان شده‌اند. ضمن اینکه دلیل طرفداران نظر اول (یعنی آیه شریفه «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً») ظاهراً با فرضیه دوم منافاتی ندارد. یعنی با وجود اینکه همه افراد انسان هوشمند کنونی منتسب به حضرت آدم و حوا^(ع) هستند، می‌توان در عین حال ازدواج اولیه فرزندان آدم و حوا^(ع) را با موجودات انسان‌نمای یادشده دانست و این امر خدش‌های به انتساب اشاره‌شده وارد نمی‌آورد. دقت شود!

برخی نیز چون یدالله سحابی برای موافق ساختن قرآن با نظریه تکامل می‌گویند: «... و از اینجا معلوم می‌شود که خلقت کامل انسان بلافاصله از گل و خاک پدید نیامده؛ بلکه مراتب و خلقت‌های دیگری نیز واقع شده تا منتهی به پیدایش متمایز و مشخص انسان شده است.» (سحابی، ۱۳۷۵: ۱۱۲).

روشن است چنین دیدگاهی با ظواهر متون اسلامی که خلقت آدم و حوا^(ع) را مستقیم از خاک می‌داند هیچ سازگاری ندارد و طبق توضیحات پیشین اساساً تعارض و منع جمعی میان «نظریه تکامل» و «خلقت مستقیم آدم و حوا^(ع) از خاک» وجود ندارد تا ما را ملزم به تأویل ظواهر دینی کند. ضمن اینکه نظریه تکامل هنوز نقاط ابهام زیادی دارد و به طور قطعی (و نه با استمداد از حدس) اثبات نشده است. بنابراین این‌گونه گذشتن از مبانی دینی بدون اینکه از سوی علم دلیل قطعی معارضی در برابر آن قرار گیرد صحیح نیست.

نتیجه

۱. پس از بیان آموزه «خلقت ابتدایی آدم و حوا^(ع) و موجودات پیش از آن» و توضیح لوازم عقلانی «فرضیه تکامل» روشن می‌شود پذیرش نظریه تکامل با واقعیت داشتن خلقت حضرت آدم و حوا^(ع) از خاک منافاتی ندارد. زیرا (بر فرض صحت نظریه تکامل) ممکن است بگوییم خداوند سبحان در کنار سیر تدریجی خلقت موجودات، از جمله انسان‌ها، خلقت به نوعی دفعی حضرت آدم و حوا^(ع) را نیز داشته است (بدون اینکه پدر و مادری برای آن دو وجود داشته باشد) که هم از لحاظ خصوصیات جسمانی و مغزی هم از حیث برخورداری از فطرتی الهی به سطح قابل توجهی بالاتر از موجودات قبلی بوده است. چون احاطه و قیومیت مطلق خداوند متعال بر هستی، همان‌گونه که می‌تواند سبب ایجاد تدریجی انسان طی میلیاردها سال شود، می‌تواند مراحل خلقت انسان را طی مراحل بسیار سریع‌تری (مثل برگرفتن خاک و تبدیل آن به گل، ... و دمیدن روح) و دفعتاً (کن فیکون) محقق کند.
۲. با کمی دقت فلسفی روشن می‌شود نهایت دلالت تکامل داروینی این است که قراین و شواهد سنگواره‌ای و غیر آن (که البته به تصریح خود داروینیست‌ها ناقص‌اند و همه تکون‌ها و مراحل مختلف آن را نمی‌توانند نشان دهند) سیر کلی آفرینش را به ما نشان می‌دهد که به صورت تدریجی بوده است. اما این نمی‌تواند دلیلی بر عمومیت مطلق این تدریج در همه موجودات طبیعی شود و نمی‌تواند احتمال صدور خلقت دفعی در بعض موارد از سوی خداوند سبحان را نفی کند.
۳. در متون اسلامی قراین و شواهدی بر وجود انسان‌نمایی قبل از آفرینش آدم و حوا^(ع) یافت می‌شود که می‌تواند تحلیل ما را تقویت کند؛ با این توضیح که متون اسلامی نشان می‌دهند خداوند متعال پیش از آفرینش حضرت آدم و حوا به صورت دفعی مخلوقاتی با نام نسناس در زمین داشته که شبیه انسان ولی پایین‌تر از سطح انسانی بوده‌اند و ممکن است (بر فرض اثبات نظریه تکامل) سیر تدریجی خلقت به آن انسان‌نماها منتهی شده و سپس خداوند سبحان در خلقت جداگانه‌ای آدم و حوا^(ع) را آفریده باشد و از این رو منع جمعی میان تکامل و خلقت وجود ندارد.
۴. نظریه تکامل در واقع تنها دیدگاهی زیست‌شناختی است که پس از داروین لوازم و استنتاجات فلسفی الحادی توسط عده‌ای از تجربه‌گرایان افراطی به آن ضمیمه و در قالب یک مجموعه کلی به جوامع علمی عرضه شد؛ درحالی‌که نظریه تکامل از آن جهت که نظریه تکامل است چنین اقتضائاتی ندارد و همه اشکالات ناشی از پیوند مبانی و جهان‌بینی‌های تجربه‌گرایان افراطی با این نظریه است.

منابع

منابع عربی

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۶۳ش). شرح نهج البلاغه. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. صالح، صبحی، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). تفسیر العیاشی. به تصحیح هاشم رسولی. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۹۹۵ م). القاموس المحيط. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۳۰ ق). قصص الانبیاء. به تحقیق عبدالحلیم حلی. قم: مکتبه علامه المجلسی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۹۸۳ م). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۵ش). اجوبه المسائل الشرعیه. گردآوری: عبدالرحیم حمرانی. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب^(ع).
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴ش). المبدأ و المعاد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

منابع فارسی

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰ش). علل الشرایع. ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: مؤمنین.
- جمعی از نویسندگان (بی تا). دانشنامه امام حسن^(ع). اصفهان: انتشارات پایگاه تخصصی عاشورا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش). توحید در قرآن. قم: إسرائ.
- دولت، محمدعلی (۱۳۹۴ش). بررسی تطبیقی تاریخ پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه‌های قرآنی و حدیثی. پژوهش‌های علم و دین، دوره ۱۲، شماره ۲، صفحات ۳۱-۱۵.
- روحانی مشهدی، فرزانه (۱۴۰۰ش). نقد دوگانه‌انگاری خلقت و تکامل بر اساس قرآن. اندیشه نوین دینی، شماره ۶۴، صفحات ۲۱۲-۱۹۳.
- سحابی، یدالله (۱۳۷۵ش). خلقت انسان. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۷ش). مجموعه رسائل علامه طباطبایی. گردآوری: هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- فلچر، ویلیام وایان (۱۳۵۵ش). تکامل از نظر انسان امروز. ترجمه محمدرضا توکلی صابری. تهران: سیمرغ.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۰ش). تبیین موضع تعارض ظاهری نظریه تکامل و آیات آفرینش و آرای قرآن پژوهان در حل آن. قبسات، شماره ۵۹، دوره ۱۶، صفحات ۵-۳۰.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۹۴ش). تفسیر اهل بیت علیهم السلام. تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۲ش). اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب. ترجمه محمدجواد نجفی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۹ش). معاد. تهران: صدرا.
- _____ (۱۴۰۰ش). مقالات فلسفی. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوروزی، علیرضا؛ میردامادی، سید مجتبی (۱۴۰۳). نقد استدلال انباشتی داوینز بر الحاد، و بیان مقتضای آن نسبت به خداآوری. حکمت و فلسفه، پیاپی ۷۹، شماره ۳، صفحات ۲۲۴-۲۵۴.
- نیکوکلام عظیم، محمدعلی (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل روایات ناظر به آدم‌نماهای قبل از حضرت آدم^(ع). معرفت، سال ۳۱، شماره ۲۹۶، صفحات ۳۹-۴۶.

Arabic Sources

The Holy Quran. (in Arabic)

Nahjul-Balagha. (in Arabic)

Ayyashi, M. (1960). *Tafsir al-Ayyashi*. revised by Hashem Rasuli. Tehran: Maktaba Al-Ilmiyah al-Islamiya. (in Arabic)

- Firuzabadi, M. Y. (1995). *Al-Qamus al-Muhit*. Beirut: Daral Kitab al-Ilmiyah. (in Arabic)
- Ibn Abi al-Hadid, A. H. H. (1984). *Commentary on Nahjul-Balagha*. researched by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim. Qom: Maktaba Ayatollah al-Uzma al-Mar'ashi al-Najfi. (in Arabic)
- Majlisi, M.B. M.T. (1983). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arabi. (in Arabic)
- Makarem Shirazi, N. & Sobhani Tabrizi, J. (2006). *Answers to Legal Issues*. compiled by Abd al-Rahim Hamrani. Qom: Madrasa al-Imam Ali ibn Abi Talib (peace be upon him). (in Arabic)
- Mulla Sadra, M. I. (1975). *Al-Mabda' and Al-Ma'ad*. Tehran: Anjanam Hikmat ve Filafsa Iran. (in Arabic)
- Qutb Rawandi, S. H. (۱۰۰۸). *Stories of the Prophets*. researched by Abdul Halim Hilli. Qom: Maktaba Al-Allamah al-Majlisi. (in Arabic)

Persian Sources

- A group of authors (n.d.). *Encyclopedia of Imam Hassan (peace be upon him)*. Isfahan: Ashura Specialized Database Publications. (in Persian)
- Authors' Collection (2015). *Tafsir of Ahlul Bayt (peace be upon them)*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Dowlat, M.A (2015). A comparative study of the history of the emergence of man on Earth from the perspective of science and Quranic and Hadith teachings. *Science and Religion Studies*, Vol 12, Number 2, P 15-31. (in Persian)
- Fletcher, W. W. (1976). *Evolution from the Perspective of Modern Man*. translated by Mohammad-Reza Tavakoli Saberi. Tehran: Simorgh. (in Persian)
- Ibn Babawayh, M. A. (2001). *Ilal al-Shara'i*. translated by Mohammad-Javad Manjili Tehrani. Qom: Nashr al-Momenin. (in Persian)
- Javadi Amlī, A. (2018). *Monotheism in the Quran*. Qom: Isra'. (in Persian)
- Kalantari, Ibrahim (2011). Explanation of the apparent conflict between the theory of evolution and the verses of creation and the views of Quranic scholars in resolving it. *Qabsat*, No. 59, Vol 16, P 5-30. (in Persian)
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir al-Nemno*. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya. (in Persian)
- Masoudi, A. H. (1983). *Proof of the Will of Lali ibn Abi Talib*. translated by Mohammad-Javad Najafi. Tehran: Islamiyya Bookstore. (in Persian)
- Motahari, M. (2020). *Resurrection*. Tehran: Sadra. (in Persian)
- (2021). *Philosophical Articles*. Tehran: Sadra. (in Persian)
- NikoKalam Azim, M.A. (2022). Study and analysis of narrations regarding the human figures before Prophet Adam (AS). *Marefat*, Year 31, No. 296, P 39-46. (in Persian)
- Norouzi, Alireza; Mirdamadi, Seyyed Mojtaba (2014). Criticism of Dawkins' cumulative argument against atheism, and statement of its implications for theism. *Wisdom and Philosophy*, Vol. 79, No. 3, pp. 224-254. (in Persian)
- Rouhani Mashhadi, F. (2021). Criticism of the Dualism of Creation and Evolution Based on the Quran. *Modern Religious Thought*, Vol. 64.
- Rouhani Mashhadi, F (2021). Criticism of the dualism of creation and evolution based on the Quran. *Modern Religious Thought*, No. 64, pp. 193-212. (in Persian)
- Sahabi, Y. (1996). *Creation of Man*. Tehran: Sahami Publishing Company. (in Persian)
- Tabatabaei, S. M.H. (1999). *Tafsir al-Mizan*. translated by Mohammad-Baqir Mousavi. Qom: Islamic Publications Office. (in Persian)
- (2008). *Collection of Allameh Tabatabaei's Epistles*. compiled by Hadi Khosrowshahi. Qom: Bostan Kitab. (in Persian)